

مرجع شناسی ادبی

و

روش تحقیق

فصل: ۰۵۲ / ۰۵۲

شماره: ۰۰۵۳ / ۰۰۵۳

دکتر عباس ماهیار

ISBN: 964-9858-02-4 ۹۶۴-۹۸۵۸-۰۲-۴

تعداد کپی: ۱۰۰۰
قیمت: ۱۰۰۰۰ ریال

www.nashrestat.com
nashrestat@yahoo.com

www.nashrestat.com
nashrestat@yahoo.com
Printed in the Islamic Republic of Iran

فهرست مندرجات

۱. یادداشت مجموعه ۱
۳. پیش‌گفتار ۳
۱۱. فصل اول: کلیات ۱۱
۲۴. فصل دوم: روش تحقیق ۲۴
۴۵. فصل سوم: کتاب‌های مرجع و منابع و مآخذ دیگر ۴۵
۴۶. بهره‌یکم: منابع راهنما ۴۶
۴۷. گفتار یکم: کتاب‌شناسی‌ها ۴۷
۵۷. گفتار دوم: فهرست‌ها ۵۷
۶۲. گفتار سوم: نشریات ادواری ۶۲
۶۹. گفتار چهارم: معجم‌ها ۶۹
۷۲. گفتار پنجم: کتاب‌های راهنمای ویژه ۷۲
۷۶. بهره‌دوم: علوم ادبی ۷۶
۷۷. گفتار یکم: لغت‌نامه‌ها ۷۷
۹۹. گفتار دوم: دایرةالمعارف‌ها ۹۹
۱۰۲. دایرةالمعارف‌نویسی در ایران ۱۰۲
۱۰۶. منابع مربوط به رده‌بندی علوم ۱۰۶
۱۰۸. منابع حاوی اطلاعات عمومی ۱۰۸
۱۰۸. گفتار سوم: کتب امثال و حکم ۱۰۸
۱۱۵. گفتار چهارم: منابع زبان و زبان‌شناسی ۱۱۵
۱۲۱. گفتار پنجم: منابع ارزیابی علوم ادبی ۱۲۱
۱۲۲. بخش نخست: نقد ادبی ۱۲۲

بخش دوم: سبک‌شناسی	۱۳۱
بخش سوم: تاریخ ادبیات و تذکره شاعران	۱۳۶
بخش چهارم: منابع علوم بلاغی و فنون ادبی	۱۵۶
بخش پنجم: تحقیقات معاصران	۱۶۴
بخش ششم: ادبیات معاصر	۲۱۴
بهره سوم: منابع علوم دینی	۲۲۰
گفتار اول: منابع علوم قرآنی	۲۲۰
گفتار دوم: منابع معتبر حدیث	۲۲۲
گفتار سوم: منابع معتبر تفسیر	۲۲۶
گفتار چهارم: منابع معتبر کلام و کتب ملل و نحل	۲۳۱
گفتار پنجم: تصوف و منابع آن	۲۳۴
بهره چهارم: منابع علوم تاریخی	۲۴۷
گفتار یکم: کتب سیره و تراجم دانشمندان	۲۴۷
گفتار دوم: منابع علم رجال	۲۵۱
گفتار سوم: منابع تاریخ و جغرافیا	۲۵۳
بهره پنجم: منابع علوم اوایل	۲۶۳
گفتار اول: منابع فلسفه و منطق	۲۶۳
گفتار دوم: منابع دانش پزشکی و داروشناسی	۲۶۳
گفتار سوم: منابع هیأت و نجوم و علوم ریاضی	۲۶۹
فهرست‌ها	۲۷۲

یادداشتِ مجموعه

ادبیات فارسی به حق یکی از مهم‌ترین حلقه‌ها، در سلسله آثار ادبیات جهانی و گوهر ممتاز مدنیّت و فرهنگ مشرق زمین و دنیای اسلام، و در اصل محصول فرایندی عظیم از مبادلات فرهنگی، برخوردها و تأثیرپذیری‌های متقابلی است که در طول قرن‌ها انجام پذیرفته و یکی از بزرگ‌ترین موارث فرهنگ بشری است؛ آنچنان که بسیاری از فرهیختگان جهان، ما را به آثار ادبی مان می‌شناسند. و اگر بنا باشد بیست سی نفر از نوابغ ادبی جهان را از سپیده‌دم تاریخ تا به امروز، انتخاب کنند، بی تردید، چهار پنج تن از بزرگان ادب ما، در این مجموعه جای خواهند گرفت. با این مقدمه اگر گفته شود بزرگ‌ترین نمود و جلوه‌ی فرهنگی ما، در طول قرون متمادی، آثار ادبی فارسی است، سخنی به‌گراف گفته نشده است. این میراث عظیم با همه‌ی جلالتش نیاز به آن دارد که از نو نگریسته شود، درباره‌اش تدقیق شود، ظرافت و لطایفش بررسی گردد. در این بازنگری و تدقیق و بررسی چند نکته هست: نخست آن که غث و ثمین از هم باز شناخته شود؛ دیگر آن که مایه‌ای باشد برای ادب امروز و آینده، آنچنان که، تداوم ادب امروز، تداوم منطقی ادب گذشته باشد، نه برگرفته‌ی محض از ادب سرزمین‌های دور و نشان خودباختگی و بی‌اعتنایی به موارث گذشته؛ و سوم آن‌که تذکّاری باشد برای زندگی، از آن‌که ساختن جهان امروز، بی‌تردید، نیاز به ایثار و تزکیه و پاک‌دلی و پاک‌اندیشی دارد و این همه را می‌توان از ادب گذشته فرا آموخت.

طبیعی است که برای بازنگری و شناخت آثار ادبی باید ابزاری در اختیار باشد. به‌خصوص باید این ابزار به زبانی ساده در اختیار جوانان و دانشجویان و دیگر علاقه‌مندان آثار ادبی قرار گیرد. تا آنچنان که بایسته است این آثار را بشناسند، به آنها بیندیشند و هر کدام را به درستی ارزش‌گذاری کنند و در جایگاه واقعی خود قرار دهند. فی‌المثل در شعر خاقانی، سعدی، خواجه، و حافظ و بسیاری دیگر ظرایفی هست که

بدون شناخت دقیق آرایه‌های سخن (بدیع) درک آنها ممکن نیست. در آثار سنائی و عطار و مولانا و دیگر شاعران عارف نکته‌هایی هست که بی‌شناخت مفاهیم و دقایق عرفانی، رهیافت به شعر آنان دشوار و بلکه ناممکن است. علل پیدایی برخی از انواع ادبی و افول برخی دیگر در طول زمان، بی‌شناخت تاریخ تطوّر ادبیات امکان ندارد. همچنان که سنجش و ارزش‌گذاری این همه آثار ادبی بزرگ و کوچک، نبوغ‌آمیز و متوسط و ضعیف، بی‌ابزار نقد ادبی راه به جایی نخواهد برد. چنین است آنجا که از زبان و ادبیات عربی و تاریخ و اخبار و احادیث و قصص و روایات اسلامی آگاهی نداشته باشیم. و به هر تقدیر آشنایی با انواع ادبی، تاریخ ادبیات، آرایه‌شناسی، سبک‌شناسی، عرفان‌شناسی، تاریخ‌زبان، دستور، عروض و قافیه و... هر کدام به نحوی راه را برای شناخت بهتر آثار ادبی باز می‌کنند.

پیش از این گزیده‌های «مجموعه‌ی ادب فارسی» و گزیده‌های «گنج ادب»، را برای آن پایه‌گذاری کردیم تا نمونه‌های مناسبی از آثار ادبی همراه با شرح و توضیح در اختیار جوانان و دانشجویان قرار دهیم و اینک مجموعه‌ی «فنون و مفاهیم ادبی» را بنیاد نهاده‌ایم تا ابزاری باشد برای رسیدن به هدفی که در پیش گفته شد و پایگاهی باشد برای جوانان و علاقه‌مندان ادبیات فارسی تا بتوانند آن آثار را بهتر رصّد کنند و در نتیجه به آنها دل بستگی بیشتر پیدا کنند و رشته‌ی پیوند فرهنگ گذشته‌ی کشورمان با روح و اندیشه‌ی آنان هر چه بیشتر استحکام پذیرد. نیز گفتنی است که این مجموعه پاسخی هم هست به نیاز برخی از واحدهای درسی دانشگاهی در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌ها و امیدواریم در اعتدالی کیفیت دروسی که به زمینه‌های مورد بحث مربوط می‌شود مؤثر باشد و بایسته است از همه‌ی کسانی که این کتاب‌ها را به عنوان کتاب درسی در مطالعه خواهند گرفت - چه اساتید دانشمندی که آنها را تدریس خواهند کرد، چه دانشجویان عزیزی که برای پاسخ‌گویی به استادان، به آنها خواهند نگرست - خواهش کنیم با یادآوری کاستی‌های آنها و نیز آنچه را باید بدانها افزود، بر ما منت گذارند و ما را یاری دهند.

بهروزی و نیک فرجامی بهره‌ی همه‌ی دوستداران زبان و ادبیات فارسی باد.

حسن انوری

پیش‌گفتار

دوست و دشمن اعتراف دارند که پدران ما، آنان که به سرزمین ایرانشهر آمدند و در آن سکنی گزیدند مردمانی هشیار و دوستدار سخنان نغز و نیکو بودند. سنگ نوشته‌هایی که به زبان فارسی باستان در کمرکش کوه‌ها بر تخته سنگ‌ها نقش بسته است تنها از قدرت حاکمان این دیار حکایت نمی‌کند بر فرهنگ و مدنیت آنان نیز دلالت دارد. اما نمی‌دانیم اجداد ما از چه زمانی سخنان خود را بر اوراق نوشتند و بر جایی نهادند و بعدها به آن‌ها مراجعه کردند.

شاید اوستا قدیم‌ترین اثر مکتوب مردم ایران زمین باشد.^۱ مورخان از نوشتن کتاب اوستا بر روی دوازده هزار پوست گاو و نگهداری آن در قلعه شهر استخر سخن گفته‌اند.^۲ در کتاب بندهشن آمده است که به هنگام پادشاهی دارا ابن دارا اسکندر از روم به ایران تاخت دارا را کشت گزارش‌های دین مزدیسنان را بستند و به روم فرستاد و اوستا را سوخت^۳ و خاورشناسان نیز به جمع‌آوری کتب علمی درباره‌ی طب و نجوم و حکمت هندی و یونانی و زبان‌های دیگر و نگهداری آن‌ها در معبد آذرگشسب در ایران باستان اشارت‌ها کرده‌اند.^۴ رفتن برزویه طبیب به هندوستان و فراگیری زبان آن سامان و همراه آوردن یک یا چندین کتاب به دربار ساسانیان نیز به زبان بی‌زبانی از جمع‌آوری کتاب‌ها و اظهار علاقه به کتاب سخن می‌گوید.^۵ تألیف خدای نامه‌های متعدد و ترجمه آن‌ها در قرون اولیه اسلامی به زبان عربی نیز نشان‌دهنده توجه نیاکان ما به کتاب و کتاب‌داری است.^۶ مسعودی مورخ مشهور در سال سیصد و سه هجری قمری در شهر استخر فارس در نزدیکی از بزرگ‌زادگان ایرانی کتابی بزرگ دیده است که علوم مختلف و تدابیر ایرانیان و مطالب فراوان دیگر در آن مندرج بوده است^۷ و نیز کتاب بزرگ دیگری به نام «کهنامه» و «آیین‌نامه» دیده است که شامل چند هزار ورق بوده است.^۸ پس از پیروزی مسلمانان از اوایل

قرن سوم در هر مسجد جامعی کتابخانه‌ای دایر بوده است و رسم دانشمندان بر این بود که کتاب‌های خود را بر مساجد جامع وقف می‌کردند. مهم‌ترین کتابخانه اسلامی در سده سوم «بیت‌الحکمه» بود که به فرمان مأمون خلیفه عباسی در بغداد تأسیس شد و به دستور وی بسیاری از نسخه‌های خطی یونانی به آنجا انتقال یافت و توسط مترجمان توانا به عربی ترجمه شد این کتابخانه تا فتح بغداد در سال ۶۵۶ ه. ق رونق خود را حفظ کرده بود.^۹

کتابخانه‌های اسلامی را در روزگاران پیشین می‌توان به سه گروه تقسیم کرد؛ کتابخانه‌های شخصی و کتابخانه‌های شهرها و کتابخانه‌های مساجد بزرگ. کتابخانه‌های شخصی را امیران و وزیران و بزرگان علم‌پرور و کتاب دوست داشتند و کتابخانه‌های شهرهای بزرگ را نیز خلفا و فرمانروایان و وزیران بنا نهاده بودند و سازمان اداری خاصی آن‌ها را اداره می‌کرده است و کتابخانه‌های مساجد را معمولاً بزرگان و عالمان با وقف کردن کتاب‌های خود ایجاد کرده بودند.

مقدسی در شیراز از کتابخانه‌ای که به فرمان عضدالدوله دیلمی بنا شده بود دیدار کرده و آن را دارای سیصد و شصت حجره و تالارهای بزرگ گنجینه‌های کتاب یاد کرده و گفته است در هیچ علمی کتابی تألیف نشده مگر آن که در آن کتابخانه وجود داشته است.^{۱۰}

در شرح احوال ابن سینا گفته‌اند که وی در سن شانزده سالگی به کتاب‌خانه بزرگ امیر سامانی راه یافت و به آثار و کتب گرانبهایی دسترسی پیدا کرد.^{۱۱}

صاحب بن عبّاد صاحب کتابخانه‌ای بوده است که یکصد و هفده هزار جلد یا بیشتر کتاب در آن جای داشته.^{۱۲}

شهر ری نیز در قرن پنجم از کتابخانه‌ای مهم و باارزش بهره‌مند بوده است که فهرست کتاب‌های آن در ده مجلد نوشته شده بوده است و سلطان محمود غزنوی پس از فتح آن شهر در سال ۴۲۰ ه. ق کتاب‌های مذاهب معتزله در فلسفه و نجوم را به آتش کشید و صد بار شتر از دیگر کتاب‌ها را با خود برد.^{۱۳} ابن اثیر در حوادث سال ۵۵۶ هجری قمری از تخریب مسجد عقیل نیشابور و گنجینه‌های کتب موقوفه آن خبر داده و نیز از تخریب هشت مدرسه از مدارس حنفی و هفده مدرسه از مدارس شافعی و به آتش کشیده شدن پنج گنجینه کتاب و به غارت رفتن هفت

مخزن دیگر به جهت شعله‌ور شدن آتش تعصبات مذهبی سخن گفته است.^{۱۴} یاقوت حموی از ده گنجینه باارزش کتاب وقفی در مرو شاهجان یاد کرده است که در مدت سه سال اقامت خود در آن شهر تا سال ۶۱۶ ه. ق با آن‌ها سر و کار داشته است. او می‌گوید: که همواره دو بیست جلد از کتاب‌های این کتابخانه‌ها در منزل من بود و اکثر یادداشت‌های خود را از آن‌ها فراهم آورده‌ام و دوستداری این کتاب‌ها همه شهرهای دنیا را از یادم برده است.^{۱۵} زکریای قزوینی از کتابخانه‌ای بسیار بزرگ در وسط مسجد جامع ساوه خبر داده و گفته است در میان مسجد جامع کتابخانه‌ای منسوب به ابوطاهر خاتونی جای دارد و همه کتاب‌های معتبر در زمینه‌های مختلف علمی در آنجا نگهداشته می‌شود.^{۱۶}

سعدالدین وراوینی از کتابخانه بزرگ ابوالقاسم ربیب‌الدین وزیر اتابک ازبک در تبریز خبر داده و از تنوع موضوعات کتب آن کتابخانه سخن گفته و از تعدد نسخه‌برداران یاد کرده است.^{۱۷} شهاب‌الدین نسوی در باب کتابخانه شهاب‌الدین خیوقی از عالمان سده ششم و هفتم هجری گفته است: «شهاب‌الدین در خوارزم در جامع شافعیان کتب خانه‌ای ایجاد کرد که مانند آن دیده نشده بود و دیده نشود و چون بر خروج از خوارزم عازم گردید و از بازگشتن بدان نومید بود دریغش آمد آن کتب خانه را به خوارزم به جا گذاشتن، نفایس آن را به همراه برد و بعد از آن که در نسا مقتول شد آن کتب به دست عوام و سوقه افتاد و من در پی جمع آن نسخ از میان مردم بودم و کتاب‌های نفیس و ممتاز از آن زمره مرا به دست افتاد.^{۱۸}...»

مرحوم مدرس رضوی درباره کتابخانه رصدخانه مراغه نوشته است «خواجه کتابخانه بسیار بزرگی بنا نهاد و بنا به فرمان هلاکو نفایس کتب فراوانی که از بغداد و دمشق و موصل و خراسان غارت شده بود و برای خواجه «خواجه نصیر طوسی» و شرکایش لازم بود به آن کتابخانه نقل داده شد و خود خواجه نیز مأمورینی به بلاد اطراف می‌فرستاد که کتب علمی را در هر کجا بیابند خریدند و برای او بفرستند و در مسافرت‌ها هم خودش به هر جا کتابی یا اسطرلابی یا آلت نجومی دیگری سراغ می‌کرد آن را خریداری کرده به مراغه می‌فرستاد.

محمدبن شاکر در کتاب «فوات‌الوفیات» نقل کرده است که عده کتاب‌های این کتابخانه به چهارصد هزار جلد می‌رسید.^{۱۹}